

عنوان مقاله:

تأثیر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در برنامه درسی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

سمیه مرادی پور - گروه تکنولوژی آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

تربیت، آموزش الفبا، حساب، خواندن و نوشتن و حتی آموزش علوم نیست. تعلیم و تربیت هدایت فرداست یعنی کمک به تربیت، آموزش الفبا، حساب، خواندن و نوشتن و حتی آموزش علوم نیست. تعلیم و تربیت هدایت فرداست یعنی کمک به فرداست که بهتر تشخیص دهد. به فرموده حضرت علی(ع): والاترین درجه علم آنست که در اعضا وارکان وجود انسان ظاهر شود. اگر تربیت در ادیان دیگر وجود دارد صرفاً به تربیت دینی پرداخته است ولی در تربیت اسلامی، تربیت دینی تنها یک جنبه از تربیت است. تعاریف متعددی از تربیت اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی وجود دارد. ناگفته پیداست که این تعاریف ابهاماتی دارند. بنابراین ارایه تعریف روشن، قابل دفاعی از تربیت اسلامی که همراه با مبانی و اصول اساسی دین اسلام باشد، ضروری می نماید. علاوه بر این تعلیم - تربیت اسلامی با واژه های دیگری چون تربیت اسلامی، تعلیم - تربیت در اسلام مطرح می شود. یکی از علل بکارگیری این واژه ها، گسترش مطالعات و عبور از کلیات به جزئیات در این مفهوم و ترجمه برخی آثار مربوط به تعلیم و تربیت اسلامی از انگلیسی به فارسی است، زیرا مطالعات گسترده ای درباره Religious Education به زبان انگلیسی صورت گرفته است. لذا، وجود واژگان جدید در این مفهوم، موجب بروز ابهاماتی در مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی شده است. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با روش تعقلی به بازشناخت و بازنگاشت منظم بنیانهای فلسفی و نظری تعلیم و تربیت اسلامی، از یک سو، و استنتاج و استنباط مدلولهای تربیتی مناسب با آنها از سوی دیگر میپردازد. تعلیم و تربیت اسلامی یکی از مهمترین مسایل آموزشی و تربیتی می باشد. دستیابی به این هدف بزرگ در نهاد آموزش و پرورش، نیازمند نقشهای است که در ادبیات علوم تربیتی، به آن برنامه درسی میگویند. این طرح و نقشه، زمانی میتواند آن نهاد را به اهداف مطلوب خود برساند که بر مبانی، اصول و شیوههای دینی و ارزشی فرهنگ حاکم بر آن کشور استوار باشد. برنامه درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ است و با ضرورتها و اقتضایات فکری، اعتقادی و ارزشی رابطه قوی دارد، به همین دلیل در آن از مبانی فلسفی و اجتماعی نیز در کنار مبانی روانشناختی برنامه ریزی درسی بحث میشود و بر اساس آن برنامه درسی جهت گیری مشخص پیدا میکند؛ بنابراین باید با توجه به شرایط و ویژگی های بومی برنامه درسی مناسب را جستجو کرد و برای طراحی آن اقدام نمود. ضرورت و اهمیت این اقدام زمانی آشکار میشود که به تنوع دیدگاههای برنامه درسی و علل این تنوع بهدرستی بیندیشیم و تفاوتهای آنها را بررسی عمیق کنیم. سوال اساسی آن است که اگر بر مبانی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی توصیف دیگری از یادگیرنده به عمل آمد و انسانشناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی ویژه تفکر اسلامی ارایه گردید، ابعاد و ویژگیهای برنامه درسی تغییر پیدا نمیکند بدون تردید پاسخ مثبت است. اصولاً نمیشود که ریشه در یک چیز تغییر نکند ولی رونماها تغییر پیدا نکنند. در هر یک از جنبه های مبانی فلسفی دلالتهای خاصی به دست میآید که به برنامه ریزی درسی جهت میدهد؛ به عنوان مثال در فلسفه آموزش و ...

کلمات کلیدی:

فلسفه، تعلیم و تربیت اسلامی، برنامه درسی، فلسفه آموزش و پرورش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/593776>



